جمع‌بندی اقسام شبهات

-□□□ □□□□ □□□□[1]□□ □□□□□□□□□□ □□□□□ □□□□ □□ □□□ □□ □□ □□□□□□□□ □□□□□□□□ □□□□

الف)شبهه حکمیه:«داخل فی نطاق الانشاء»

غیر مقصودیه: فقدان نص

بله درست است، خیلی از شبهات حکمیه داریم که مقصودیه نیست. شرب تتن، حلال است یا حرام؟ شبهه حکمیه است یا موضوعیه؟ حکمیه است. مقصودیه است؟ نه.

مقصودیه: اجمال نص

اجمال نص، فقط از مواردی است که مقصودیه می‌شود و الا در تمام مواردی که فقدان نص یا تعارض نص باشد شبهه حکمیه است،

تعارض نصّین: امکان ارجاع به هر دو قسم

حالا تعارض نص هم ممکن است به یک نحوی به مقصودیه برگردد. علی ای حال مقصودیه،یکی از صغریات شبهه حکمیه است.

ب) شبهه موضوعیه: «خارج من نطاق الانشاء»

ولی بقیه شبهات موضوعیه را می‌توانیم تحت جامعی قرار بدهیم، موضوعی را معنا کنیم یعنی خارج من نطاق الانشاء. آن وقت اگر انواع شبهه موضوعیه که از نطاق انشای شارع خارج است، یک تقسیم‌بندی علمی که این تقسیم بندی ثمره علمی دارد، بتوانیم انجام بدهیم، ما همراه هستیم:

صدقیّه

می‌گوییم یکی صدقیه است، مثلا در بیابان می‌روید می‌بینید یک آبی دارد می‌آید از آنکه برمی‌دارید، می‌جوشد؛ واقعا به شک می‌افتید. به شک می‌افتید یعنی چه؟ یعنی همه چیزش و مادّه‌اش برای شما واضح است، هیچ شک فیزیکی بیرونی در این ندارید، شک می‌کنید آن «بئر»ی که در لسان ادله آمده بر این صدق می‌کند یا نه؟ دقیقا مصبّ شک شما انطباق است، انطباق

مفهوم بر این است.

مفهومیّه (لغویه)

یکی مفهومیه است، مثال خرچنگ در استفتاءات آمده بود؛ چیزی پیدا میکنید، نمیفهمید خرچنگ هست یا نیست، حالا آیا شما به متخصص مراجعه میکنید؟ خوب است. پس گاهی است شما در خود مفهوم شک دارید، از شک در مفهوم، شک در مصداق ناشی میشود[2].

مصداقیّه(شیئ فیزیکی خارجی)

یکی هم مصداقیه که مربوط به جهل ما راجع به خود شیء فیزیکی خارجی است، اگر این آثار دارد ما هم حرفی نداریم تقسیم بندی خوبی هم هست،

انواعی دیگر...

بلکه شاید انواع دیگری هم باشد. شما کتابهای استفتاء را ببینید مردم خیلی سوالها میپرسند که میبینید با هیچ کدام اینها جور درنمیآید یعنی باز با یک نحو ظرافتکاریها از شبهات مواجه میشویم که میتواند یک بخش دیگری باشد

علی ای حال این تقسیمبندیها برای شبههها و باز هم مثال پیدا کنیم چه بسا بیش از اینها باشد، همه مباحثههایی که در اصول انجام دادیم مقصود ما طلبگی بود یعنی میشود انسان یک بحثهایی در اصول انجام بدهد که آن بحثها مقدمهای برای پرباز شدن خود مباحث اصول باشد که آدم آنها را که میداند، راحتتر میتواند تصمیمگیری کند[3].

---

[1] کلام یکی از دوستان حاضر در جلسه درس

[2] میرزای شیرازی در مقابل این دیدگاه و در مقام دفع اینکه شبهات مفهومیه، موضوعیه نیستند فرمودند:

منشأ التوهم المذكور: أنه إذا كان الإجمال في متعلق الحكم كان منشأ الشك هو الجهل بوضع اللفظ، و بأنه هل وضع لمعنى يشمل مورد الشك، أو لا؟

و هذا الجهل مما يرتفع بالسؤال عن العالمين بالوضع، و ليس من شأن الشارع رفعه، فيكون داخلا في الشبهة الموضوعية، فيجري فيه ما يجري فيها من جواز الرجوع إلى أصالة البراءة و عدم وجوب الفحص.

و بالجملة: الشك في الحكم ناشئ عن الشك في الوضع، فالشك حقيقة في الوضع، و رفعه من شأن العالم به.

و أما وجه الفساد: أن معيار الشبهة الحكمية أن يكون رفع الشبهة من شأن الشارع كما أن معيار الموضوعية أن يكون رفعها من غيره، كما يعترف به المتوهم، و **لا ريب أنه إذا شك في الحكم بواسطة الشك في متعلقه، و لم يتمكن من السؤال عن وضع اللفظ، فعليه أن**

يسأل الشارع عن مراده: بأني لم أفهمه، و لا ريب أن بيان مراد الشارع من شأن الشارع.

و بالجملة: الشك و إن كان مسببا عن الشك في وضع اللفظ، لكنه شك في مراد الشارع، و شأنه رفعه. نعم السؤال عن الوضع مع تمكنه يكفي عن السؤال من الشارع.

و الحاصل: أن مناط الشبهة الحكمية أن يكون الشك في مراد الشارع، و هو حاصل في المقام.

با توجه به کلام میرزا، معیار در شبهه حکمیه شأنیت مراجعه به شارع است؛ نه مراجعه بالفعل. ما در فهم لغت، ابتدا به شارع مراجعه نمیکنیم؛ بلکه مراجعه ما به کتب لغت است، لکن در صورت کوتاه شدن دست ما از این کتب، این وظیفه شارع است که حکم را برای ما بیان کند.

به عبارت دیگر: مرحوم میرزا عملاً شبهات مفهومیه ی مصطلح را به شبهات مقصودیه تبدیل می کند.

با توجه به این مبنا در این مسئله چه تفاوتی بین شبهه صدقیه و مفهومیه است؟ در شبهه صدقیه نیز درصورتی که با امارات کشف انطباق، نتوانستیم احراز مورد کنیم به خود شارع مراجعه میکنیم و از او میخواهیم که برای ما رفع شبهه کند که بیان مراد او از شؤون اوست.

در مقام تفاوت گذاری بین این دو -علاوه بر اشکال مبنایی به تفکیک شبهات مفهومیه و مقصودیه که تنها رفع دومی (الشک في مراد الشارع) از شؤون شارع است نه اولی- میتوان گفت:

بین شبهات صدقیه و مفهومه تفاوت است. در شبهات مفهومیه، تحیر شارع در دسترسی به حکم الله به شارع مقدس استناد داده می شود، چرا که او این لفظ را بیان کرده است و طبیعتاً رفع این ابهام نیز بر عهده اوست.

اما اگر مسئله ابهام در شبهات صدقیه را عام و شامل تمامی مفاهیم بدانیم،ایجاد اجمال و ابهام درایـنصورت مستند به شارع نمیشود بلکه هر مفهوم دیگری هم از سوی شارع انتخاب شود، همین ماجراست. نظیر ابهام عام در مصادیق حکم، که موجب استناد اجمال به شارع در موضوعات خارجی نمیشود.

با این حساب گرچه شارع میتواند رفع ابهام کند، ولی رفع ابهام، برعهده ی او نیست به خلاف شبهات مفهومیه.

[3] در یادداشت های استاد چنین آمده است:

در رسائل ص ۲۱۴* شیخ قده فرمودند که شک در وجود ضرر در شبهات حکمیه ی تحریمیه، به شک در شبهه موضوعیه برمی گردد،

و کذا در ص ۲۱۸ تعبیر اصل موضوعی کردند در آنجا که شک در قبول حیوان، تذکیه راست،**

و در ص ۲۱۹* شک در مفهوم غنا را از اجمال نص و شبهه حکمیه فرموده اند.**

آیا شبهه خارجه من نطاق الحکم، منظور نطاق ِحکم ِجزئی شرعی خاص است یا حکم جنسی جامع بین ِمثلاً حرمت و وجوب است یا نطاق به معنای خارج از وظیفه کلّی تشریع و شارع است؟

اگر وجود ضرر، دخالت در نفس جعل و مبدئیت برای تشریع خاص دارد، شبهه موضوعیه است یا حکمیه؟

شبهه ی این که مجوس، اهل کتاب هستند چه شبهه ای است؟ شبهة نشأت من انه هل لهم کتاب ام لا؟ این علم غیب است و نیاز به مراجعه به عالم به غیب دارد نه به جاعل حکم.

شبهه در مفاهیم لغوی مراجعه به خبره نیاز دارد. آیا آنجا که مراجعه به خبره نیاز است، می توانیم بگوییم چون شبهه موضوعیه است، نیاز به فحص و مراجعه به خبره ندارد؟

تعریف اعلم چیست و حقیقت تقلید چیست؟ آیا چه شبهه ای هستند؟

شک در این که نوعی از طیور، صفیف و دفیفش چگونه است و یا سنگدان دارد یا نه و...آیا چه شبهه ای است؟ فحص لازم دارد یا ندارد؟

در باب ربا، اگر شک کنیم دو چیز، اتحاد جنس دارند یا خیر؟ چه شبهه ای است؟

آیا خوب است گفته شود بدواً سه نوع شبهه داریم: ۱. شبهه شرعیه ۲. شبهه جزئیه ۳. شبهه علمیه

در عروه ج ۲ ص ۲۹۵ در زکات اذا شک فی کون شیء من المؤن او ال لم یحسب منها: در تعلیقه، مرحوم حاج سید احمد خوانساری قده فرمودند: الظاهر ان المفروض فی المتن وه الشبهه الحکمیه التی یرجع فیها الی المجتهد ال الشبهة الموضوعیة

(یادداشت نوشته شده در صفحات ابتدایی کتاب اصول فقه مظفر ره)

(*) و دعوى: أن حكم العقل بوجوب دفع الضرر المحتمل بيان عقلي فلا يقبح بعده المؤاخذة، مدفوعة: بأن الحكم المذكور على تقدير ثبوته لا يكون بيانا للتكليف المجهول المعاقب عليه، و إنما هو بيان لقاعدة كلية ظاهرية و إن لم يكن في مورده تكليف في الواقع، فلو تمت عقوبة على مخالفتها و إن لم يكن تكليف في الواقع، لا على التكليف المحتمل على فرض وجوده؛ فلا تصلح القاعدة لورودها على قاعدة القبح المذكورة، بل قاعدة القبح واردة عليها؛ لأنها فرع احتمال الضرر أعني العقاب، و لا احتمال بعد حكم العقل بقبح العقاب من غير بيان.

فمورد قاعدة دفع العقاب المحتمل هو ما ثبت العقاب فيه ببيان الشارع للتكليف فتردد المكلف بين أمرين، كما في الشبهة المحصورة و ما يشبهها.

هذا كله إن اريد ب «الضرر» العقاب، و إن اريد به مضرة اخرى غير العقاب- التي لا يتوقف ترتبها على العلم-، فهو و إن كان محتملا لا يرتفع احتماله بقبح العقاب من غير بيان، إلا أن الشبهة من هذه الجهة موضوعية لا يجب الاحتياط فيها باعتراف الأخباريين، فلو ثبت وجوب دفع المضرة المحتملة لكان هذا مشتركا الورود؛ فلا بد على كلا القولين إما من منع وجوب الدفع، و إما من دعوى ترخيص الشارع و إذنه فيما شك في كونه من مصاديق الضرر، و سيجيء توضيحه في الشبهة الموضوعية إن شاء الله.(فرائد الأصول ؛ ج 2 ؛ ص56-۵۷)

(**)الأمر الخامس أن أصالة الإباحة في مشتبه الحكم إنما هو مع عدم أصل موضوعي حاكم عليها، فلو شك في حل أكل حيوان مع العلم بقبوله التذكية جرى أصالة الحل، و إن شك فيه من جهة الشك في قبوله للتذكية فالحكم الحرمة؛ لأصالة عدم التذكية: لأن من شرائطها قابلية المحل، و هي

مشكوكة، فيحكم بعدمها و كون الحيوان ميتة.(فرائد الأصول ؛ ج2 ؛ ص109)

(***)ظ الفعل بين الحرمة و غير الوجوب من جهة إجمال النص إما بأن يكون اللفظ إذا كان دوران حكم الفعل بين الحرمة و الدلالة على الحكم مجملا، كالنهي المجرد عن القرينة إذا قلنا باشتراكه لفظا بين الحرمة و الكراهة.

و إما بأن يكون الدليل على متعلق الحكم كذلك، سواء كان الإجمال في وضعه كالغناء إذا قلنا بإجماله، فيكون المشكوك في كونه غناء محتملا لحرمة، أم كان الإجمال في المراد منه، كما إذا شك في شمول الخمر للخمر الغير المسكر و لم يكن هناك إطلاق يؤخذ به.

و الحكم في ذلك كله كما في المسألة الاولى، و الأدلة المذكورة من الطرفين جارية هنا.

و ربما يتوهم أن الإجمال إذا كان في متعلق الحكم- كالغناء و شرب الخمر الغير المسكر- كان ذلك داخلا في الشبهة في طريق الحكم. و هو فاسد.(فرائد الأصول ؛ ج2 ؛ ص114)

بازبینی #1
ایجاد شده 22 مارس 2025 12:51:01 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 مارس 2025 12:54:59 توسط ... .